دریچه

وزیر کشور در پی متکدیان

● **شرق:** قرار است در آینده نزدیک براساس دستور وزیر کشور، مشخصات افراد متکدی در سامانه جامع آسیب‌دیدگان کشور ثبت شود. همین دو هفته پیش بود که مدیرکل اجتماعی و فرهنگی استانداری تهران از ثبت اطلاعات متکدیان در سامانه جامع آسیب‌دیدگان اجتماعی در آینده نزدیک خبر داد و گفت: با استقرار و به‌کارگیری این سامانه، کل اطلاعات در کشور از متکدیان در سامانه ثبت خواهد شد و در حقیقت ۳۱ استان به سامانه متصل می‌شوند.

فرزانه مروستی، مدیرکل امور اجتماعی استانداری تهران، روز گذشته درباره اجرای طرح ساماندهی کودکان خیابانی گفت: جمع‌آوری کودکان خیابانی کمافی‌السابق در حال انجام است و وزیر کشور نیز دستور داده‌اند که این موضوع تا زمانی که سالانه به کاهش پنج‌درصدی جمعیت کودکان خیابانی برسیم، تا سال ۱۴۰۰ باید انجام شود.

عبدالرضا رحمانی‌فضلی، وزیر کشور، پیش‌ازاین در جلسه شورای اجتماعی کشور که درباره جذب و شناسایی کودکان کار و خیابانی شهر تهران برگزار شده بود، دراین‌باره گفته بود: دو سال قبل در جلسه‌ای تصمیم‌گیری شد با رویکرد حفاظت و صیانت از کودکان دستگاه‌های متولی درباره ساماندهی کودکان خیابانی اقدام کنند. گزارش‌ها نشان می‌دهد کودکان خیابانی، کار و متکدی در وضعیت نامناسبی زندگی می‌کنند و آنها به یک نوعی استثمار می‌شوند. به گفته او اما ۸۰ درصد کودکان خیابانی و متکدی از اتباع خارجی هستند و با سفارت افغانستان هماهنگی لازم درباره ساماندهی این کودکان صورت گرفته است.

سؤال اینجاست که طرح شناسایی متکدیان چطور عمل می‌کند؟ فرزانه مروستی دراین‌باره با بیان اینکه جمع‌آوری کودکان خیابان یک طرح در یک دوره مشخص نیست، تصریح کرد: طبق آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی باید از سال ۸۴ انجام می‌شد. در استان تهران با تدبیر و مدیریت آقای استاندار از سال ۹۵ نیز این طرح به اجرا درآمد و هم‌اکنون نیز کار در حال اجرا است. البته در سال جاری ساماندهی کودکان خیابانی با شکل و شمایل جدیدتری در حال اجرا است و ساماندهی این کودکان به سازمان‌های مردم‌نهاد واگذار شده است و این سازمان‌ها هم در جذب و پذیرش مداخله می‌کنند و هم در بحث ساماندهی و ارائه خدمات مددکاری از ظرفیت این سازمان‌ها استفاده می‌شود.

مدیر کل امور اجتماعی استانداری تهران با اشاره به آمار کودکان خیابانی جمع‌آوری‌شده در این طرح تصریح کرد: تاکنون تعدادی از کودکان خیابانی از ابتدای این طرح جمع‌آوری و ساماندهی شده‌اند که از این تعداد تقریبا ۸۶ تا ۸۷ درصد کودکان اتباع خارجی هستند. در مسائل اجتماعی یکی از موضوعاتی که مطرح می‌شود، بحث مداخله در بحران است و ساماندهی کودکان خیابانی در حقیقت به‌نوعی مداخله در بحران محسوب می‌شود. این برنامه باید به طور مستمر انجام شود؛ اما به موازات آن نیز باید برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت برای جلوگیری از ورود کودکان خیابانی داشته باشیم.

مدیرکل امور اجتماعی استانداری تهران با بیان اینکه براساس قوانین موجود در کشور، کار کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع است، تصریح کرد: اگر تکدی‌گری را کار فرض کنید، براساس قانون کار کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع است. همچنین اگر دست‌فروشی کودکان بر سر چهارراه‌ها را تکدی‌گری بدانیم، طبق ماده ۷۱۳ قانون کسی که طفل صغیری را به تکدی‌گری وادار کند، به سه تا یک سال حبس محکوم می‌شود و قطعا دستگاه قضائی حتما برخوردهای لازم را در این زمینه خواهد داشت. استاندار تهران نیز بر دستگاه‌های اجرائی برای انجام این آیین‌نامه نظارت خواهد داشت. مروستی در پاسخ به این سؤال که آیا تاکنون خانواده‌ای برای استفاده از کودک به‌عنوان متکدی به مرجع قضائی ارجاع داده شده است، گفت: یک‌سری پرونده‌ها برای پیگیری به مراجع قضائی ارجاع داده می‌شود؛ اما باید مستندات کافی درباره سوءاستفاده مکرر از کودک خیابانی از سوی خانواده وجود داشته باشد. برای اتباع خارجی نیز در اداره‌کل اتباع و مهاجران استان تهران پرونده‌هایی تشکیل شده و از خانواده تعهد گرفته می‌شود و کار به صورت نفربه‌نفر در حال انجام است و اگر کودکی برای چندمین بار به اداره اتباع ارجاع داده شود، قطعا هم برخورد قضائی و هم بحث طرد کودک به همراه خانواده از کشور انجام خواهد شد. مدیرکل امور اجتماعی استانداری تهران در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره سامانه جامع آسیب‌دیدگان اجتماعی گفت: وزارت کشور متولی اصلی سامانه جامع آسیب‌دیدگان اجتماعی را ایجاد کرده و طبق آیین‌نامه شورای عالی اداری بانک اطلاعاتی متکدیان باید در استان‌ها شکل بگیرد و یکی از وظایف استانداری‌ها تهیه بانک اطلاعاتی متکدیان در هر استان است. این اقدام نیز در راستای اجرای مصوبه شورای عالی اداری که در سال ۷۸ به تصویب رسیده و همچنین با توجه به تکالیف ماده ۸۰ قانون برنامه ششم توسعه پیش‌بینی شده است. مروستی ادامه داد: سامانه جامع آسیب‌دیدگان اجتماعی در وزارت کشور تشکیل شده و در ۱۰ استان وجود دارد و در سال جاری نیز همه ۳۱ استان ازجمله استان تهران به این سامانه وصل شده است. ما در استان تهران نیز در راستای تکمیل اطلاعات این سامانه مرکز غربال و دو مرکز نگهداری متکدیان را به تجهیزات لازم مجهز کرده‌ایم تا در مدتی نه‌چندان زیاد بتوانیم تمام اطلاعات متکدیان را جمع‌آوری کنیم.

آیا شاخ مافیای کنکور شکسته می‌شود؟

وزیر جدید پنجه در پنجه معضل قدیمی

شهرزاد همتی: کنکور نظام آموزشی را گروگان گرفته است؛ این بخشی از صحبت‌های محسن حاجی‌میرزایی، وزیر جدید آموزش‌وپرورش در اولین نشست خبری خود بعد از گرفتن رأی اعتماد است؛ مسئله‌ای که پیش‌تر هم او درباره آن سخنانی گفته بود. وزیر قبلی آموزش‌وپرورش نیز بخشی از تلاش خود را برای حل مسئله کنکور و مبارزه با آنتن‌فروشی صداوسیما به مؤسسات کنکوری گذاشت؛ اما به نتیجه‌ای نرسید و رفت. مؤسساتی که همین چند روز پیش مشخص شد یک دانشجوی تقلبی را تا مدت‌ها به‌عنوان نخبه و رتبه برتر کنکور به خورد مخاطب مضطرب پشت‌کنکوری می‌دادند که تمام آرزوهای خود را در قبولی دانشگاه می‌بینند. مؤسساتی که تقریبا هیچ دستاوردی برای نظام آموزش‌وپرورش نداشته‌اند، اما هر روز فربه‌تر و پولدارتر می‌شوند و سواد دانش‌آموزان را نشانه رفته‌اند. محسن حاجی‌میرزایی روز گذشته درباره مافیای کنکور در نشست خبری خود عنوان کرده است: «در قانون سنجش و پذیرش، مسئولیت تدبیر درباره کنکور بر عهده وزارت علوم است، اما به نظر می‌رسد اراده‌ای برای اجرای این قانون وجود ندارد و نیازمند آن هستیم کنکور را عمیق‌تر در دستور کار قرار دهیم؛ آن‌هم به میزانی که بتوانیم نیازهای جامعه را به شکل مناسب‌تری پاسخ دهیم. در این صورت، نظام آموزشی ما هدفمندتر حرکت خواهد کرد. اکنون خط آخر تحصیل، کنکور است، اما اگر مشتریان دیگری در انتهای این خط تسهیلات و شرایطی را برای اشتغال در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند، شرایط تفاوت خواهد کرد». مسئله زدوخورد آموزش‌وپرورش با مافیای کنکور مربوط به امروز و دیروز نیست و در تمام این سال‌ها به نظر می‌رسد زور مافیا به آموزش‌وپرورش چربیده است. محمد بطحایی، وزیر پیشین آموزش‌وپرورش، به‌صراحت اعلام کرده بود: «زورمان به مافیای کنکور نرسید و در مسیری افتاده‌ایم که معلم و کارشناس برنامه آموزشی تلاش کرده‌اند حس پرسشگری را در دانش‌آموزان شکوفا کنند، اما یک مؤسسه غیرحرفه‌ای می‌آید و یک کتاب حل‌المسائل ارائه می‌دهد و همه نقشه‌های ما را نقش بر آب می‌کند». هرساله پیش از رسیدن به زمان کنکور، سیل اظهارنظرها درباره حذف کنکور در رسانه‌ها منتشر می‌شود. تأثیر معدل دوره متوسطه روی رتبه کنکور، یکی از قدیمی‌ترین وعده‌هایی است که برای حذف کنکور داده می‌شود؛ وعده‌ای که شاید عملی‌تر است، اما خود دانش‌آموزان هم چندان با آن موافق نیستند. تا این ماجرا جدی می‌شود، سیل واکنش و اعتراض دانش‌آموزان سرازیر می‌شود که ما با همان کنکور حالمان بهتر است. انگار بدنه نظام آموزشی هم به این چرخه معیوب عادت کرده است. حالا دیگر تاریخ مشخص و چهره کسی که گفت بالاخره کنکور حذف می‌شود، در یاد کسی باقی نمانده؛ وعده‌ای که با وجود تکرار سالانه، راه به جایی نبرده است و هر سال باز هم دانش‌آموزان دبیرستانی را به کلاس‌های تست‌زنی و کنکور می‌فرستد تا بتوانند آینده‌ای بهتر از دیگران داشته باشند؛ اتفاقی که به نظر می‌رسد با وجود تمام وعده‌ها فعلا عملی نمی‌شود. وقتی آموزش‌وپرورش در دوره وزیر پیشین مبارزه خود را با مؤسسات کنکور جدی کرد، بالاخره صداوسیما کوتاه آمد و تبلیغات این مؤسسات در تلویزیون نصف شد. آذر سال گذشته بود که سیدمرتضی میرباقری، معاون سیما، با توجه به برخی انتقادها از آثار سوء حجم بالای برنامه‌های تبلیغات مؤسسات کنکوری، دستور داد شبکه‌های مختلف تلویزیون، زمان این برنامه‌ها را به نصف کاهش دهند و همچنین

آگهی‌های بازرگانی با موضوع برنامه‌های کنکوری مهم تا ۷۴۰ درصد کاهش یابند. بر اساس محاسباتی که درباره سود مالی این تبلیغات طبق تعرفه‌های مشخص‌شده صداوسیما برای برنامه‌های تبلیغاتی کنکور به دست آمده بود، جمع کل ۱۳ برنامه در یک ساعت، دومیلیاردو۲۸۹میلیون‌و ۶۰۰ هزار تومان و جمع کل ۱۳ برنامه در یک ماه، ۵۷۶میلیاردو۹۷۲میلیون‌و ۲۰۰ هزار تومان برای این سازمان درآمد داشت؛ این در حالی بود که تلویزیون شبکه آموزش خود را به بهانه عدالت آموزشی راه‌اندازی کرده بود. بااین‌حال، سعه صدر تلویزیون تنها تا رفتن بطحایی ادامه داشت و مطابق آماری که به دست خبرنگار «شرق» رسیده، پس از استعفای بطحایی، حجم این تبلیغات در تلویزیون دو برابر شده و مجددا سیاست قبلی در پیش گرفته شده است.

حالا اما نوبت حاجی‌میرزایی است که مواضع خود را درباره کنکور مشخص کند. روزی که او رأی اعتماد گرفت، یکی از نمایندگانی که به حمایت از او پشت تریبون رفت، اعلام کرد از او انتظار دارد در برابر مافیای کنکور بایستد. فاطمه ذوالقدر نماینده تهران با اشاره به کارت زرد وزیر پیشین برای موضوع مافیای کنکور، گفت از آقای حاجی‌میرزایی انتظار داریم با مافیای کنکور مبارزه کند و همچنین ترویج و توسعه حق‌التدریسی‌ها و اجرای طرح رتبه‌بندی معلمان را انجام دهد.

اراده جدی برای حذف مافیای کنکور وجود ندارد

تلاش «شرق» برای گفت‌وگو با علیرضا کمره‌ای، معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش، درباره تصمیمات و سیاست جدید اتخاذشده در وزارت آموزش و پرورش در برابر مافیای کنکور با وجود هماهنگی با روابط‌عمومی بی‌نتیجه ماند. اما علی پورسلیمان، کارشناس آموزش و پرورش و عضو سازمان معلمان، با بیان اینکه اراده‌ای برای بهبود شرایط وجود ندارد، گفت: صحبت‌های اخیر آقای حاجی‌میرزایی جدید نیست. مسئله حافظه‌محوری و سیطره کنکور بر نظام آموزشی مباحث جدیدی نیست، اما مشکل ما این است که برای برون‌رفت از این وضعیت، حل مسئله‌ای صورت می‌گیرد و در حد بیان مسئله باقی می‌ماند. از آن طرف آقای حاجی‌میرزایی به شاخص‌های آموزشی اشاره می‌کنند و می‌گویند قضاوت درباره کیفیت نظام آموزشی یا شاخص‌های نظام آموزشی موفق نباید کنکور باشد، اما در همین نشست جای دیگری می‌گویند بخش اعظمی از پذیرفته‌شدگان کنکور از مدارس دولتی هستند یا می‌گویند نفرات برتر کنکور نمی‌تواند نشانگر عملکرد مدارس دولتی یا غیردولتی باشد. به بیان دیگر، وزیر آموزش و پرورش از یک طرف می‌گوید ما نباید معیار را کنکور برای قضاوت قرار دهیم، از آن طرف هم نیم‌نگاهی دارد و می‌گوید ما باید نتایج کنکور را مورد بازنگری قرار دهیم و کنکور گریبان ما را گرفته است. وی تصریح کرد: این مسئله نشان‌دهنده یک تناقض در صحبت‌های آقای حاجی‌میرزایی است که به آن باید توجه کرد. اما ما هم باید در نظر بگیریم ذائقه خانواده‌ها امروز به سمت کنکور تمایل دارد. دانش‌آموز از زمانی که وارد دوره ابتدایی می‌شود، از همان ابتدا به نحوی وارد چرخه رقابت کنکور می‌شود تا زمانی که می‌خواهد از این سیستم خارج شود. یعنی رقابتی کاملا تصنعی و غیرواقعی که حتی آن دانش‌آموز پس از قبولی در کنکور هم ممکن است آینده شغلی تضمین‌شده‌ای در ازایش به دست نیاورد. پورسلیمان در ادامه گفت: این ادعا و فضا در آموزش و پرورش غیرواقعی است و به آن دامن زده می‌شود. خانواده‌ها فکر می‌کنند همه برنامه‌ریزی‌شان این است که فرزندشان پس از فراغت از تحصیل در یک دانشگاه خوب تحصیل کند و از آن طرف هم اقتصاد کنکور یا همین مافیا، در آموزش و پرورش ما ناشناخته نیستند؛ وقتی که آموزشگاه‌های کنکور موظف هستند پنج درصد از درآمد خود را سالانه به وزارت آموزش و پرورش پرداخت کنند، مسئله‌ای است که مسئولان به‌صراحت به آن اذعان می‌کنند. یا مثلا در مدارس بخش مهمی از اقتصاد آموزش و پرورش که تعریف هم نشده ادعا می‌کند دریافت وجه از اولیا ممنوع است، ولی تحت عنوانینی مثل برگزاری کلاس کنکور و انتخاب رشته خانواده‌ها را توجیه کرده است و از این طریق اقتصاد مدرسه هم می‌چرخد. در واقع ما باید این نکته را در نظر داشته باشیم با همه بد و بیراه‌هایی که در نظام آموزشی حواله کنکور می‌شود، اما در مدارس ما این اقتصاد مدارس به کنکور وصل است. این فعال آموزشی خاطرنشان کرد: غیر از پنج‌درصدی که آموزشگاه‌ها موظف به پرداخت به آموزش و پرورش هستند، از آن طرف آقای کریمی، معاون پرورشی و فرهنگی اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران، به برنامه‌ها و اقدامات خودش در تابستان اشاره کرده و یکی از اقداماتش برپایی ۷۰ پایگاه انتخاب رشته کنکور بوده است. ما از ایشان سؤال کردیم این مسئله چه ربطی به معاونت پرورشی دارد؟ یا خود همین قسمت اداره مشاوره آموزش و پرورش سال گذشته از مدرس مشهور کنکور دعوت می‌کند درباره کنکور برای مسئولان ادارات مشاوره آموزش و پرورش صحبت کند. از آن طرف مسئولان آموزش و پرورش از کنکورزدگی و ایجاد مدرسه شاد می‌گویند، اما از آن طرف خودشان از این افراد دعوت می‌کنند درباره کنکور حرف بزنند. مجوز این مؤسسات از سوی وزارت آموزش و پرورش صادر می‌شود. ورود این مؤسسات به مدارس هم باز با مجوز ادارات آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. پس اگر بخواهیم هم این‌گونه به مسئله نگاه کنیم، وزارت آموزش و پرورش این قدر هم مظلوم نبوده و در چنبره مافیا گرفتار نیامده است! خود این مؤسسات کنکور قراردادهایی با مدارس می‌بندند، پس مسئله به این سادگی نیست که می‌خواهند کنکور را حذف کنند اما موفق نمی‌شوند؛ تحلیل من این است که اراده جدی برای حل این مسئله و رفتن به سمت وضعیت مطلوب وجود ندارد و حرف‌هایی هم که می‌شنویم، به نظر می‌رسد در حد شعار است، یعنی حرف‌ها تکراری و کلیشه‌ای است و مسئولان آموزش و پرورش اگر می‌خواهند دوباره برنامه آموزشی را تعریف و سیستمی جدید را ایجاد کنند، باید وارد فاز عمل شوند. این حرف‌ها و شعارها دیگر کارساز نیست.

مدیرمسئول روزنامه ستاره صبح:

یارانه باید به نشریاتی که دارای هویت هستند پرداخت شود

مدیرمسئول روزنامه ستاره صبح معتقد است درباره توزیع یارانه مطبوعاتی قبل از هر چیز باید هویت نشریه مشخص شود؛ یعنی نشریه دارای هویت و خط‌مشی روشن درباره مسائل خرد و کلان کشور باشد و روزنامه‌هایی که دولت را تخطئه می‌کنند نباید مشابه روزنامه‌هایی که مسئولانه عمل می‌کنند یارانه دریافت کنند. مدتی است که در فضای رسانه‌ای کشور و به عبارتی در فضای مدیریتی رسانه‌های کشور همپای مطرح‌شدن موضوع گرانی کاغذ، بحث نحوه تخصیص یارانه مطبوعات هم داغ است. این موضوع از وقتی که برخی فعالان رسانه‌ای در فضای مجازی اقدام به انتشار اسنادی کردند که نشان می‌داد برخی افراد و بنگاه‌ها یارانه‌های مطبوعاتی زیادی می‌گیرند، اما نشریاتشان بدون هویت است داغ‌تر هم شد. تا اینکه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مقرر کرد معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیگیر این ماجرا و این موضوع ساماندهی شود.

بعد از گذشت قریب به یک ماه، اداره کل مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با انتشار یک فایل پیش‌نویس از شیوه توزیع یارانه مطبوعات (در روز ۲۴ شهریور) گام اول برای این ساماندهی را برداشت، اما در خبرها آمد صاحب‌نظران و مدیران رسانه تنها تا پایان شهریور فرصت دارند این فایل پیش‌نویس را مطالعه کنند و نظرات خود را به اداره مذکور بفرستند و احتمالا بعد از آن این پیش‌نویس از طریق مجرای قانونی وجهه‌ای رسمی پیدا می‌کند. از نگاه علی صالح‌آبادی، مدیرمسئول روزنامه ستاره صبح و نماینده پیشین مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی، قبل از صحبت‌کردن در مورد اینکه شیوه توزیع یارانه چگونه باید باشد، بهتر است با تأکید به طرح این موضوع پرداخت که یک روزنامه (یا نشریه) ابتدا هویت مشخصی از خودش بروز دهد و خط‌مشی فکری، سیاسی، اقتصادی و ... خود را به‌درستی معرفی کند؛ البته به لحاظ کیفی و کمی هم وضع خوبی داشته باشد. او تعریف خود از هویت روزنامه را هم این‌گونه ارائه می‌دهد: هویت یک روزنامه به این است که نگاهش به موضوعات اقتصادی؛ به‌عنوان‌مثال اقتصاد آزاد یا دولتی مشخص باشد. همچنین نگرش روزنامه به موضوعات سیاسی مانند فضای باز و آزاد سیاسی یا در نقطه مقابل فضای بسته سیاسی معلوم باشد. اینکه روزنامه‌ای چه نگاهی به انتخابات [اشاره به اهمیت دموکراسی] و موضوعات اقتصادی دارد، همه تعیین‌کننده هویت آن هستند. مدیرمسئول روزنامه ستاره صبح در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر با اشاره به اینکه پرداخت یارانه هم باید با توجه به رویکردهای سازنده هویت نشریه صورت بگیرد، تأکید می‌کند: معتقدم پرداخت یارانه باید به رسانه‌ای صورت بگیرد که دارای هویت فکری مشخص است و به موضوعات به شکل «تخصصی» و «مسئولانه» ورود پیدا می‌کند. بر همین اساس هنگامی که مجموعه‌های حاکمیتی مرتبط با پرداخت یارانه مطبوعات مانند مجلس شورای اسلامی و دولت تصمیم می‌گیرند به نشریات یارانه بپردازند، بنابراین یارانه باید به نشریاتی داده شود که در موضوعات کلان نظام مانند سیاست، اقتصاد، فرهنگ، هنر و ادبیات مسئولانه عمل می‌کنند نه‌اینکه عملکردشان تخریب دولت (سرکار) باشد. وی با اشاره به رویکرد روزنامه ستاره صبح در ماجراهایی مانند برجام و خروج آمریکا از این عهدنامه به دلایل داخلی و خارجی ادامه می‌دهد: برخی نشریات هستند که کارشان تخطئه دستاوردهاست. اینکه تأکید دارم نشریه‌ای که مشمول یارانه می‌شود باید هویت مشخص داشته باشد برای همین است. می‌بایست از پرداخت یارانه به نشریاتی که کارشان تخطئه‌کردن دولت است پرهیز شود.

نشریه‌مسئول

صالح‌آبادی در پاسخ به این سؤال که چگونه باید نشریه‌ای را که متعهدانه عمل می‌کند شناسایی کرد، این‌طور می‌گوید: برای پایبندی یک نشریه به معیارهای کلان نظام و روابط خارجی کشور در وهله اول باید دید چه افرادی در رأس آن نشریه حضور دارند؛ اینکه مدیرمسئول یک نشریه کیست و سردبیر آن چه کارنامه‌ای دارد و چگونه عمل می‌کند. شخصیت این افراد نشان می‌دهد که نشریه تا چه حدی می‌تواند متعهدانه عمل کند. وی تأکید می‌کند: دومین راه شناسایی چنین تعهدی این است که بررسی شود نشریه‌ای دارای سرمقاله هست یا خیر؛ روزنامه‌ای که سرمقاله ندارد مانند فرد برهنه‌ای است که انسانیتش به‌واسطه لخت‌بودن از او گرفته شده است. سرمقاله راه شناسایی رفتار نشریه است. علاوه‌براین نشریه باید دارای تفسیر روز باشد. روزنامه‌ای که به تفسیر مسائل می‌پردازد در دل این نوع از مطلب به ارائه راهکار می‌پردازد یا هشداری را به جامعه منتقل می‌کند. به عبارتی تفسیر باعث می‌شود زوایای مشکلاتی که در جامعه وجود دارد روشن شود که این مسئله نشان‌دهنده هویت یک نشریه هم هست.

ادامه در صفحه ۱۵

بازتاب

واکنش شرکت نفت به یک گزارش

● **اطلاعیه شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران درباره «بنزین توزیعی در کلانشهر تهران».**

پیرو اخبار کذب منتشرشده طی روزهای اخیر در برخی رسانه‌های کشور، روابط‌عمومی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران به اطلاع هموطنان می‌رساند؛ تمام بنزین توزیعی در کلانشهر تهران دارای استاندارد یورو ۴ بوده و گوگرد آن زیر ۵۰ ppm است. لازم به ذکر است که مطابق با قانون، تنها مرجع صاحب صلاحیت در ارزیابی انطباق فرآورده توزیعی با استاندارد مورد نظر، سازمان ملی استاندارد و یا نهادهای مورد تایید آن است؛ چگونگی انجام نمونه‌گیری، روش آزمون و مابقی جزئیات مربوط به آزمایش نمونه‌های بنزین امری تخصصی است؛ بنابراین اظهارنظر سایر نهادها فاقد صلاحیت می‌باشد. آخرین گزارش سازمان ملی استاندارد، میانگین گوگرد بنزین توزیعی در سطح کلانشهر تهران را زیر ۵۰ پی‌پی‌ام نشان می‌دهد؛ لذا ادعاهای مطرح‌شده در برخی رسانه‌های کشور نسبت به میزان گوگرد بالا در هوای تهران به طور کامل رد می‌شود. گفتنی است انتشار این‌گونه اخبار کذب و بدون منبع مشخص مصداق تشویش اذهان عمومی محسوب می‌شود، بنابراین شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران پیگیری منابع این خبرسازی در مراجع قضایی را حق خود دانسته و نتیجه آن را از طریق رسانه‌ها به اطلاع هموطنان عزیز خواهد رساند.

خبر

افزایش ۳۰ درصدی ترافیک تهران با آغاز سال تحصیلی
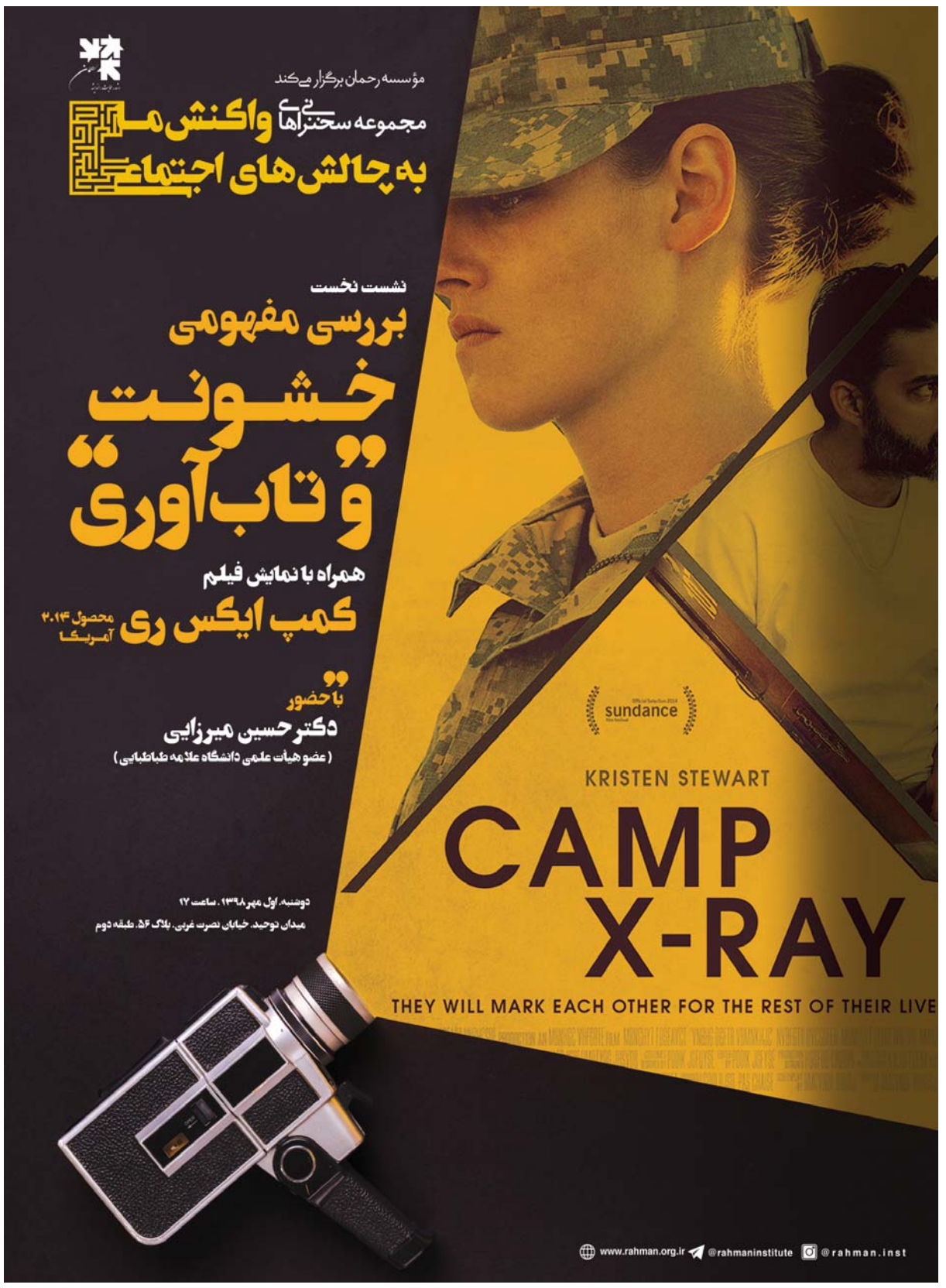
● **شرق:** رئیس پلیس راهور تهران بزرگ از پیش‌بینی افزایش ۳۰ درصدی ترافیک در شهر تهران هم‌زمان با آغاز سال تحصیلی خبر داد. سردار محمدرضا مهماندار گفت: امسال نزدیک به یک‌میلیون‌و صد هزار دانش‌آموز در تهران با آغاز سال تحصیلی به مدرسه می‌روند و پیش‌بینی می‌شود ترافیک در تهران نسبت به تابستان افزایش ۳۰ درصدی داشته باشد. فرماندهی انتظامی تهران بزرگ گفت: در ارتباط با شناورشدن ساعت کار کارمندان حداقل در ۱۵ روز نخست مهر پیشنهاد خود را ارائه کردیم؛ اما تصمیم‌گیری دراین‌باره در اختیار دولت است.